

خمسده باد اول ماه مه،

روز همبستگی رزمی زحمتکشان جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز اول ماه مه

کمیته مرکزی حزب توده ایران اول ماه مه، روز جهانی کارگران،
روز همبستگی رزمی زحمتکشان جهان را
به همه کارگران و زحمتکشان میهنمان شادباش می گوید!

میهنمان در بیش از هفت دهه در راه برقراری آزادی و عدالت به پیش برده اند و به حق نقش بسیار ارزنده ای در تاریخ مبارزات آزادی خواهانه کشورمان ایفا کرده اند. نقش کلیدی جنبش کارگری در پیروزی جنبش ملی کردن صنعت نفت، در تصویب نخستین قانون کار، در ایجاد سندیکاها و اتحادیه های کارگری، در شکستن رژیم شاهنشاهی و به پیروزی رساندن انقلاب بهمین ۵۷ و بالاخره مبارزه سال های اخیر علیه ادامه در ص ۲

اول ماه مه امسال مصادف است با هفتادمین سال برگزاری این جشن رزمی در میهن ما. جشن اول ماه مه را طبقه کارگر ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ با تظاهرات با شکوهی برگزار کرد. و از آن پس تاکنون علی رغم تلاش نیروهای ارتجاعی و واپس گرا، علی رغم سرکوب ها و فرمانروایی ترور و اختناق پلیسی این جشن را هرساله در گوشه و کنار کشورمان گرامی داشته است. برگزاری جشن اول ماه مه نشانه ادامه مبارزه ای است که کارگران و زحمتکشان



شماره ۳۷۴، دوره هفتم،
سال هفتم، ۸ اردیبهشت ۱۳۷۱

حقوق بشر در جمهوری اسلامی از ادما تا واقفیت

هیچ چیز دیگر رضایت نمی دهند و ما انقلاب کرده ایم تا همین بساط را بر چینیم".
ادامه در ص ۳

تعطیل فعالیت های دفتر صلیب سرخ جهانی در تهران بدستور مقامات عالیترتبه رژیم جمهوری اسلامی در اولین روزهای سال نو، بازتاب شکست سیاست دورویانه گروه حاکم در تلاش برای بیرون آمدن از انزوی بین المللی با تظاهر به بهبود شرایط حقوق بشر در ایران بود.

در این تصمیم رژیم که در مقابله با تصویب قطعنامه شدیدالحن روزهای پایانی سال ۱۳۷۰ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، مبنی بر محکومیت جمهوری اسلامی بدلیل زیر پا گذاشتن حقوق بشر صورت گرفت، باردیگر بی اعتقادی و عدم پای بندی رهبران جمهوری اسلامی به مفاد کنوانسیون های بین المللی حامی حقوق شهروندان را به وضوح به نمایش گذاشت. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ اسفند ماه ۷۰ صراحتاً اعلام کرد: "بساط حقوق بشر دکانی است برای سلطه جویانی که جز تسلیم بی قید و شرط ملت ها به

پایان نمایش "انتخابات"

دور اول چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، که به گفته سران رژیم قرار بود آینده نظام را تعیین کند، با شکست مفتضحانه جناح های درگیر جمهوری اسلامی خاتمه یافت.

روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی با اعلام خبر شرکت بیش از ۱۸ میلیون شرکت کننده، نتیجه انتخابات را پیروزی برای رژیم ارزیابی کردند. ولی بررسی دقیق آراء ریخته شده به صندوق های رای و آمار منتشره از جانب ستاد مرکزی انتخابات، نشانگر رویگردانی وسیع توده های مردم از رژیمی است که در طول بیش از ۱۳ سال حکومت، تمامی قول ها و وعده هایش را زیر پا گذارده و شرایط دشوار و طاقت فرسایی را بر مردم میهن ما تحمیل کرده است.
ادامه در صفحات ۴ و ۵

در دیگر صفحات:

در جناح چپ چه خبر؟

ترجمه کوتاه شده ای از مقاله "پراودا"، شماره ژانویه ۹۲ به قلم
بوریس اسلاوین
ص ۷ و ۸

سپید و سیاه

غزلی از شاعر نامی و معاصر ایران
هوشنگ ابتهاج (سایه)
ص ۳

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

اعلامیه کمیته مرکزی ...

قوانین ارتجاعی و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی تنها گوشه ای از این مبارزات دلیرانه است که صفحات درخشانی از تاریخ اخیر کشور ما را آراسته است.

کارگران وزحمتکشان!

امسال روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که تحولات عظیمی در جهان به وقوع پیوسته و جنبش کارگری در سراسر جهان دستخوش تغییرات بسیار گردیده است. سرمایه داری بانک پیروزی سر داده و شکست جنبش جهانی کارگران را اعلام کرده است.

تا هنگامی که بی عدالتی در جهان حکومت می کند و تا هنگامیکه ثمره دسترنج کارگران و زحمتکشان را گروه بسیار معدودی سرمایه دار به یغما می برند و تا هنگامیکه میلیاردها انسان در فقر و گرسنگی زندگی می کنند، مبارزه برای رهایی از یوغ سرمایه و بنا کردن جامعه ای نوین، جامعه ای که انسان ها در آن حاکم بر سرنوشت خویش باشند، جامعه ای آزاد و عاری از استثمار فرد از فرد همچنان به مثابه یک آرمان انسانی در سراسر جهان ادامه خواهد یافت و راه آینده آزاد و انسانی تری را خواهد گشود. ما کوچکترین تردیدی در پیروزی نهایی این آرمان های انسانی و همه بشری نداریم. تحول جوامع بشری و پیشرفت آن روندی است که هیچ نیرویی قادر به سد کردن آن نیست. شکست در این یا آن نبرد توشه راهی است که جنبش ما را همچون پولاد آبدیده برای مبارزه فردا آماده می کند.

کارگران وزحمتکشان!

امسال نیز شما شاهد ادامه سیاست های ضد مردمی و عمیقاً ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بودید. اوضاع بد اقتصادی و اجتماعی، بیکاری بیش از ۳ میلیون نفر از هم وطنان و فقر و بدبختی ۲۲ میلیون از شهروندان کشورمان (بر اساس آمار رسمی) گویا ترین تصویر از اوضاع دردناک جامعه ما است، که هر ساله ابعاد وسیع تر و فاجعه بازتری به خود می گیرد. رهبران جمهوری اسلامی در حالیکه خود در ناز و نعمت بسر می برند، دائماً مردم کشورمان را به ریاضت کشیدن و تحمل سختی هایی که خود برای مردم ایجاد کرده اند، فرا می خوانند. عملکرد ۱۳ ساله رژیم بهترین ملامت قضاوت مردم کشورمان در مورد کسانی است که تنها هدفشان ادامه حکومت جمهوری اسلامی به هر قیمتی است. سرکوب، ترور و فشار ارگان های امنیتی رژیم بر مردم و خصوصاً کارگران و زحمتکشان میهن ما نشانگر وحشت عمیقی است که حکام جمهوری اسلامی از عاقبت کار خود دارند. گسترش برخوردهای اعتراضی، اعتصابات کارگری و رشد کیفی مبارزه در جامعه

ما و برخی عقب نشینی های رژیم حاکی از آغاز روندی است که می تواند زمینه ساز تحولات عظیمی در جامعه ما باشد.

کارگران و زحمتکشان کشورمان در سال های اخیر در روند مبارزات صنفی خود برای تصویب قانون کار مترقی، برای ایجاد سندیکا، اتحادیه ها و شوراهای مستقل کارگری، و بالاخره برای ایجاد سیستم فراگیر تامین اجتماعی به خوبی دریافته اند که هرچه مبارزه گسترده تر، یکپارچه تر و سازمان یافته تر باشد، امکان پیروزی و وادار کردن رژیم به عقب نشینی بیشتر است. این تجربه گرانبهایی است که می تواند راه گشای مبارزات کارگران و زحمتکشان کشورمان علیه گرانی، کمبود ارزاق عمومی و تعدی و زورگری وزارت کار و دولت جمهوری اسلامی و خصوصاً علیه قانون کار تصویب شده توسط شورای نگهبان باشد و زمینه را برای تحول عمیق و جدی در جامعه ما فراهم آورد.

جامعه ما سخت محتاج تغییرات بنیادی برای بازسازی اقتصادی و تحولات عمیق اجتماعی به نفع اکثریت محروم است. این تحولات می بایستی امکان ایجاد بهداشت عمومی، تحصیلات برای همه و سیستم فراگیر تامین اجتماعی را در جامعه ما پایه ریزی کند. ولی برنامه رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در جهت تامین این خواست های حیاتی نیست، بلکه در عمل با این نیازها مغایرت جدی دارد. در حالیکه اکثریت جامعه ما برای تامین احتیاجات یک زندگی بسیار ساده دچار مشکلات عظیم هستند، سران جمهوری اسلامی از ضرورت تحمل سختی ها برای مردم داد سخن می دهند.

بنظر حزب توده ایران تنها با تشدید فشار از درون جامعه علیه سران رژیم می توان آنان را وادار به عقب نشینی کرد. مبارزه مشترک همه نیروهایی که خواهان تحول در جامعه ما هستند، بی شک نقش تعیین کننده ای در پیروزی جنبش اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی خواهد داشت.

کارگران وزحمتکشان!

مبارزه شما برای دستیابی به حقوق صنفی و برای عدالت در جامعه و از جمله مبارزه علیه قانون کار تصویب شده رژیم، علیه اخراج ها و باز خرید های فردی و یا جمعی، برای افزایش دستمزد ها در حالیکه تورم در کشور بیداد می کند، برای ایجاد مسکن مناسب، در راه احقاق حقوق زنان کارگر و ایجاد امکانات و تسهیلات خدماتی برای آنان در واحد های تولیدی، برای ایجاد امکانات ضروری آئینی در کارگاهها و کارخانجات، برای آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی و بالاخره مبارزه شما برای ایجاد سازمان های صنفی مستقل بخش عمده ای از مبارزه ای است که در بطن جامعه ما علیه رژیم "ولایت ققیه" در جریان است. این مبارزه بی شک دیر یا زود راه گشای نجات جامعه ما از بن بست کنونی خواهد بود.

تجربه بیش از هشت دهه مبارزه کارگری در کشور ما اثبات کرده است که چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است. صفوف منسجم و یکپارچه کارگران و زحمتکشان کشور ما این توان را دارد که هر حکومت زورگویی را وادار به تسلیم نماید. تجربه پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ گویاترین سند درستی این نظر است و بنظر ما پایان حکومت "ولایت ققیه" نیز بار دیگر بر این تجربه گرانبها مهر تأیید خواهد زد.

کارگران وزحمتکشان!

مبارزه در راه احقاق حقوق شما همواره در سربلوه مبارزات حزب ما بوده و همچنان خواهد بود. حزب توده ایران در در طول بیش از ۵۰ سال حیات خود، دمی از این وظیفه تاریخی غفلت نکرده است و امروز نیز مانند گذشته در کنار شما برای آزادی و برقراری عدالت در کشورمان مبارزه می کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران روز جهانی کارگر را صمیمانه به همه کارگران و زحمتکشان کشورمان تبریک گفته و امیدوار است تا با مبارزه منسجم و مشترک همه ما، ابرهای ظلم و استبداد از آسمان میهن ما رخت بربندد و آفتاب آزادی بار دیگر گرمابخش زندگی همه ما باشد.

خجسته باد روز اول ماه مه،

روز جشن و همبستگی کارگران جهان!

پیروز باد مبارزه کارگران و زحمتکشان

برای آزادی، عدالت اجتماعی و

پایان دادن به رژیم "ولایت ققیه"!

درد بر طبقه کارگر رزمنده ایران!

استوار باد همبستگی جهانی کارگران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۷۱



بررسی دقیق نتایج انتخابات

بررسی دقیق نتایج اعلام شده، نشانگر بی اعتمادی و رویکردانی وسیع توده های مردم از مجموعه حکومت جمهوری اسلامی است. نگرانی عمیق جناح حاکم از این پدیده، رئیس جمهور رژیم را وادار کرد که با ارسال پیامی از مردم بخواهد که حتی اگر مخالف هم هستند در انتخابات شرکت کنند.

با اعلام نتایج ۱۲۴ حوزه رای گیری تنها ۱۳۳ نماینده از ۲۷۰ نماینده مجلس، یعنی کمتر از ۵۰٪ از نمایندگان توانستند رای کافی برای حضور در مجلس را بدست آورند و بقیه حوزه های انتخاباتی همگی بدون دوم کشیده شده است. این رقم در مقایسه با انتخابات سوم مجلس شورای اسلامی ۲۰٪ کاهش یافته است.

کاهش چشمگیر آرا نمایندگی که در شهرهای بزرگ و از جمله تهران مقام نخست را بدست آوردند نشانه بارز رای منفی میلیونی توده های مردم به نمایندگان جناح های مختلف جمهوری اسلامی است.

به اعتراف نوری وزیر کشور ۳۵٪ از مردم از شرکت در انتخابات خودداری کردند و گروه زیادی نیز آرا باطله به صندوق های رای ریخته اند. مثلا در تهران تنها حدود ۴۰۰۰۰ رای باطله به صندوق ها ریخته شده بود.

جدول شماره (۱) نکته جالب دیگری پیرامون چگونگی آرا ریخته شده به صندوق ها را مشخص می کند.

در ۱۲ شهر عمده کشورمان نمایندگان که مقام نخست را کسب کردند در مجموع و با حساب معدل آرا توانستند بیش از ۲۵٪ آرا رای دهندگان را نصیب خود کنند. اگر این معدل را به سرتاسر ایران گسترش دهیم، مجلس چهارم جمهوری اسلامی نه با اتکا به ۱۹ میلیون رای (به ادعای کیهان) بلکه تنها با اتکا به ۴/۵ میلیون رای تشکیل خواهد شد. کاهش چشمگیر آرا نماینده نخست که در ستون آخر جدول در مقایسه با دوره سوم مشخص گردیده است نشانه بی اعتمادی وسیع مردم به جناح حاکم و جناح مخالف است. این کاهش در تهران برابر ۴۰٪ و در برخی شهرها مانند مشهد تا ۶۰٪ نیز می رسد و این در حالی است که به ادعای ستاد انتخابات تعداد رای دهندگان دوره چهارم نسبت به دوره سوم از رقم ۱۶ میلیون به حدود ۱۹ میلیون نفر افزایش یافته است.

آنچه که از نتایج اعلام شده بر می آید آن است که گروه حاکم توانسته است با استفاده از اهرم های مختلف بخش عمده ای از نمایندگان مجلس سوم را در مرحله نخست حذف کند. براساس گزارش وزیر کشور از ۲۷۰ نماینده دوره سوم، تنها ۵۴ نفر یعنی ۲۰٪ تاکنون توانسته اند به مجلس راه پیدا کنند و بقیه یا کاملا حذف گردیده اند و یا به دور دوم کشیده شده اند.

بنظر ما اگر چه جناح حاکم توانسته است در این مقطع از مبارزه با حذف مخالفان پیروزی مقطعی بدست آورد ولی در دراز مدت قطعاً

نخواهد توانست بر مشکلات عمده مملکت چیره شده و جامعه را از بحران کنونی نجات دهد.

ما در گذشته مفصلاً شرایط ویرانی و علل بحران کنونی را بررسی کرده ایم. دلایل بحران و مشکلات کنونی، نه مجلس سوم، بلکه مجموعه نظامی است که مغایر رشد اجتماعی-اقتصادی ایران بر مملکت ما حکومت می کند. بررسی طرح های ارائه شده به مجلس سوم نشان می دهد که هیچکدام از برنامه های کلیدی دولت رفسنجانی از جمله بودجه های ارائه شده و برنامه اقتصادی ۵ ساله در مجلس با مخالفت جدی روبرو نگردیدند. بر این یک دست شدن مجلس و دولت قاعدتاً تفسیر جدی در روند تحولات اجتماعی - اقتصادی کشور ایجاد نخواهد کرد. تنها خاصیت این پیروزی خاموش شدن صدای مخالفان از تریبون مجلس می باشد که می توانست در شرایط دشوار و بحرانی کنونی حاکمیت جمهوری اسلامی را بیش از پیش تضعیف کند. با حذف مخالفان گروه رفسنجانی از مجلس آخرین بهانه دولت فقلی برای نابسامانی های موجود عملاً از بین رفته است.

به نظر ما ادامه حکومت "ولایت فقیه" که کوچکترین قربانی با اساس حقوق بشر و آزادی ندارد، عدم وجود تامین اجتماعی-اقتصادی در مملکت و ادامه بی قانونی ها و خارج شدن نیروهای متخصص از کشور، دلایل عمده مشکلات کنونی است. جناح حاکم با استفاده و دفاع شدید و عریان از اصل "ولایت فقیه" و استفاده از آن برای سرکوب عملاً نشان داد که نمی تواند در برنامه بازسازی اقتصادی کشور را به جریان بیاورد.

تهدیدهای روزنامه ها، "کیهان" و برخی روزنامه های طرفدار رفسنجانی و تهدیدهای ضمنی قوه قضائی علیه روزنامه های مخالف مانند "سلام" نشانگر نگرانی شدید رژیم از آینده خود و تدارک سرکوب حتی مخالفان موجود در درون حکومت جمهوری اسلامی است.

مردم کشور ما مدت هاست که پاسخ قطعی خود را به این شیوه حکومتی داده اند. ادامه جو ترور و اختناق، ادامه غیر قانونی بودن احزاب و سرکوب آزادی ها و حقوق دمکراتیک نیز دقیقاً بدلیل نگرانی رژیم از قضاوت نهایی مردم پیرامون آنان است.

انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی قاعدتاً برای رهبران "پراگماتیستی" رژیم می بایستی درس قاطع و شکننده ای باشد. حکومت به شیوه گذشته امکان پذیر نیست، تمویض نمایندگان مجلس در حالیکه ماهیت ارتجاعی و استبدادی حکومت همچنان به قوت خود باقی است نمی تواند راه حل نجات از مشکلات کنونی باشد، مردم کشور ما خواهان تحول و تغییر برای ایجاد یک نظام دمکراتیک و متکی به آرا مردم هستند این خواست دیر یا زود جامعه عمل خواهد پوشید، دولتمردانی که این درس تاریخ را نادیده بگیرند مانند همگی

"ولی امر مسلمین جهان"

در روز روشن

آسمان و ریسمان را بهم می بافد!

"راهی که امروز امت اسلامی و بویژه ملت بزرگ و شجاع ایران در آن قرار گرفته است، راه نجات انسانها، تحقق آرمانهای اسلامی، رفع ظلم و شکست زور و قدرت در دنیا است."

"خامنه ای - کیهان هوایی"

شاهد ما از غیب می رسند و نمونه هایی زنده از "رفع ظلم و شکستن بتهای زور و قدرت ... را جلو چشمان حیرت زده از این همه گستاخی را ارائه می کنند،

- "قشر مرقه جامعه مشغول انباشتن ثروت و دارایی خود هستند و افسوس که این روزها امنیت بیشتری احساس می کنند." (نماینده "بستان آباد در سخنرانی پیش از دستور در مجلس - "کیهان هوایی")

- "یکی از موارد (تخریب) باز کردن میدان برای تاخت و تاز سرمایه داران و اشراف است. بسیاری از سیاست های اقتصادی در جهت پربار شدن جیب پول دارها و خلق پد از اقشار کم درآمد است." (نماینده "فسا در سخنرانی پیش از دستور در مجلس - "کیهان هوایی")

- اخیراً بعضی از خوانین که در ابتدای انقلاب از وحشت ظلم و جور خود فرار کرده و یا حاضر بودند تمام املاک خود را بدهند و در امان باشند، با گستاخی هرچه تمام تر و با اعمال نفوذ، کشاورزان را محکوم می کنند. بخشهای "قونفوری و "بفانات" از توابع شهرستان آباده هم اکنون جولانگاه آقایان شده است و برای چندین روستا حکم تخلیه گرفته اند و محصولات کشاورزان را که با دستهای پینه بسته و عرق جبین به دست آورده اند، توقیف و ادعای خسارت چند سال بعد از انقلاب را می نمایند. جالب است که این کشاورزان در چند سال گذشته با حکم هیئت هفت نفره فعالیت داشته اند."

"نماینده" آباده در سخنرانی پیش از دستور در مجلس - "کیهان"

حکومت های دیکتاتوری دیگر سرنوشت مشابهی خواهند یافت. سرنوشت جناح شکست خورده امروز، براحتی می تواند در انتظار بخش دیگری از حاکمیت کنونی در آینده ای نه چندان دور باشد.

در مطبوعات مجاز

از "عملکرد" های يك ساله حكومت رفسنجانی!

- ... نمونه دیگر آن همین جشن نیکو کاری روز پنجشنبه بود که صحنه های با ارزش را از مردم دیدیم.

- مسئله دیگری که در ارتباط با ماست و تا حدودی باید به حساب انقلاب اسلامی گذاشته شود. فروپاشی مارکسیسم است که از لحاظ ما يك دستاورد عظیم جهانی محسوب می شود.
- چندین کشوری که در قسمت شمالی ما به وجود آمده اند و تجدید حیات کرده اند برای ارتباط با سایر نقاط دنیا و ادامه زندگی به طور کامل باید از مسیر ایران استفاده کنند و ایران جایی است که جنوبی ها بخواهند با شمالی ها ارتباط داشته باشند باید از ایران بگذرند ...
- ایران به يك چهار راه مناسبی برای حرکات اقتصادی و سیاسی منطقه مبدل شده است.
"طبق گزارش سازمان منطقه ای بهداشت و درمان استان کردستان به اطلاع می رساند در حال حاضر در استان کردستان ۲۰۰ پزشک عمومی، ۷۲ متخصص در رشته های مختلف پزشکی و ۴۸ دندانپزشک و داروساز مشغول خدمت می باشند. هم چنین ۲ نفر متخصص چشم پزشک در سنندج و ۲ نفر زیدنت در شهرستان ستر و ۱ متخصص چشم در شهرستان بیجار مشغول مداوای بیماران می باشند."
("سلام" - ۷۰/۱۱/۲۹)

حضرتی "نماینده" مجلس:

"اگر فکر می کنید مشکل این حکومت چند نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند که از سیاستهای اقتصادی - سیاسی یا فرهنگی دولت انتقاد می کنند یا جمله ای و روزنامه ای که باید انتقادی به قضایا می نکرد و با احضار و با حذف اینها مشکلات حل می شود، به خدا سخت در اشتباهید."

("کیهان" - اسفند ماه ۷۰)

هتون بشر در جمهوری اسلامی ...

شکست سیاست های رژیم در این مورد، یکبار دیگر انتقاد علنی از سیاست های "خوشباورانه" به امکان گمراه نمودن جهانیان و سیاست های "پراگماتیستی" رفسنجانی را در صفحات روزنامه های مجاز به نمایش گذاشته است. روزنامه جمهوری اسلامی در این باره نوشت: "چه جای خوشبینی نسبت به عناصر و دستگاههایی است که فلسفه وجودی آنها حمایت از منافع استکبار و ضایع ساختن حق ملت هاست؟"

در ارتباط با اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو برای بررسی وضع رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، سازمان عفو بین المللی نیز در دیماه ۱۳۷۰ بیانیه ای خطاب به کمیسیون انتشار داد. بیانیه که به ضمیمه يك کتابچه ۱۴ صفحه ای شامل جزئیات دقیق نقض حقوق بشر در ایران به مسئول کمیسیون حقوق بشر تسلیم شد با تأیید مستند نقض حقوق بشر مورد اشاره گالیندوئل تأثیر مهمی در تأیید گزارش او و صدور قطعنامه اجلاس در مورد جمهوری اسلامی ایران داشت. در زیر بخش هائی از این بیانیه جهت اطلاع خوانندگان "نامه مردم" نقل می شود:

"بر پایه گزارشات مطبوعات رسمی کشور سازمان عفو بین المللی بیش از ۷۵۰ اعدام را ثبت کرده است... منابع دیگر حدود ۵۰ اعدام بدلائل سیاسی را گزارش داده اند.
در اکتبر ۱۹۹۱ عفو بین المللی خبر اعدام بیش از ۲۰ نفر از اعضای يك ایل بلوچ را در

پیام همبستگی احزاب برادر به سومین کنگره حزب توده ایران

پیام همبستگی حزب کمونیست بریتانیا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفقای عزیز

برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران و تصویب برنامه و اساسنامه جدید حزب شما اطلاع یافتیم. کمونیست های بریتانیا خوشحال هستند که بار دیگر همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه رفقای ایرانی، که بار اصلی مبارزه علیه رژیم ارتجاعی شاه و رژیم کنونی را بر دوش داشته اند، اعلام دارند.

کمونیست ها در سراسر جهان، پس از تحولات در اتحاد شوروی سابق و کشورهای سوسیالیستی، به بررسی دوباره ارزشها و اصول فلسفی و تشکیلاتی خود پرداخته اند. در حالیکه اصول اولیه مارکسیسم - لنینیسم، از جمله مرکزیت دمکراتیک هنوز معتبر می باشد، کمونیست ها می بایستی با تکیه بر دمکراسی و با کار جمعی تلاش کنند تا دمکراسی درون حزبی را گسترش دهند.
ما برای شما رفقای توده ای آرزوی موفقیت در مبارزه تان برای ایجاد جبهه وسیع در راه دستیابی به صلح و دمکراسی داریم. ما امیدواریم که اسناد کنگره شما بزودی بدست ما برسد.

بهبترین آرزوها
جان هلت

دبیر امور بین المللی حزب کمونیست بریتانیا

گردیدند. بسیاری از دستگیر شدگان اعضای جمعیت دفاع از آزادی و حق حاکمیت مردم ایران بودند... نه (۹) زندانی بر علیه محکومیتشان از دیوانعالی کشور تقاضای فرجام کردند ولیکن تقاضای آنها رد شد و در برخی موارد اتهامات جدیدی اضافه گردید. تمامی این پروسه در غیاب متهمین صورت پذیرفت و آنان هیچگونه دسترسی به وکیل مدافع نداشتند. "عفو بین الملل مکرراً پیشنهاد فرستادن يك ناظر به محاکمه و دادگاه فرجام نمود لیکن هیچ پاسخی از مقامات جمهوری اسلامی ایران بدین پیشنهاد و یا خواسته های مکرر خود برای گفتگوی مستقیم با مقامات ایران دریافت ننمود."
"گزارش دستگیری زنان به خاطر عدم رعایت حجاب اسلامی در تمامی طول سال ادامه یافت. مجازات در نظر گرفته شده برای مخدوش کردن قانون حجاب شلاق است." چنین است سیمای واقعی حقوق بشر در جمهوری اسلامی.

زاهدان در ملاء عام در فاصله کوتاه بعد از دستگیریشان اعلام نمود. دیگر زندانیان سیاسی اعدام شده در طول سال اعضای حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده اند... صدها زندانی سیای شامل زندانیان عقیدتی در زندانها باقی هستند و اضافه بر آن بدنبال تظاهرات عمدی و نا آرامی های شهروندان در طول ۱۹۹۱، صدها نفر دیگر دستگیر شدند. برخی از آنها بدون هیچ اتهامی و یا محکمه ای در زندان مانده اند و برخی دیگر پس از محاکمات غیر عادلانه ای که در غیاب وکیل مدافع انجام و از جریان آن فیلمبرداری شد، به زندان محکوم شدند."

"عفو بین الملل ضمن استقبال از اقدام رژیم به آزاد کردن چندین زندانی سیاسی و زندانیان عقیدتی اظهار تأسف می کند که بسیاری از آنها پس از اینکه مجبور به مصاحبه های ویدیویی و یا امضا اظهاریه هایی مبنی بر محکوم نمودن فعالیت های سیاسی قبلیشان و تعهد به پشتیبانی از جمهوری اسلامی شدند، آزاد گردیدند." این ترس وجود دارد که زندانیان تحت فشارهای فرساینده فیزیکی و روانی به چنین امری رضا داده اند." به اضافه، از ملزومات این بود که یکی از وابستگان زندانی ضمانت او را قبول کند و در صورتی که زندانی سیاسی سابق از معرفی خود به مقامات امنیتی، در صورت تقاضای آنها، قصور نماید، شخص ضامن بازداشت شود. همچون سالیان گذشته، عمل بازداشت وابستگان بعنوان "جاننشین" برای زندانیان در طول سال ۱۹۹۱ ادامه یافت.
"نه نفر امضا کنندگان نامه سرگشاده خطاب به رئیس جمهور که در ژوئن ۱۹۹۰ دستگیر شده بودند. در سال ۱۹۹۱ محاکمه

حقوق بشر در جمهوری اسلامی

لژی لاهقا تا ...

برخورد خشن و غیر مسئولانه جمهوری اسلامی به مصوبات اجلاس ۴۸ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بود که با بررسی گزارش مبسوط ۱۲۱ صفحه ای آقای گالیندوپل، نماینده ویژه کمیسیون، از جزئیات مشاهدات و بررسی های خود در سومین باز دید رسمی اش از ایران، موارد متعدد نقض حقوق بشر را در کشور مورد انتقاد قرار داده بود. در آذر ماه امسال گالیندوپل نماینده ویژه سازمان ملل بدنبال دو بازدید قبلیش در دی ماه ۱۳۶۸ و مهر ماه ۶۹ به همراه هیاتی برای اجرای مفاد قطعنامه های پی در پی سالهای اخیر کمیسیون حقوق بشر در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در مورد نقض خشن حقوق بشر و اقدام بین المللی در جهت بهبود اوضاع حقوق بشر به ایران سفر کرد. وی در گزارش خود فاش ساخت که اعدام، شکنجه و زندان همچنان به عنوان حربه های اصلی رژیم در برخورد با منتقدین سیاست هایش مورد استفاده وسیع و علنی قرار می گیرد. گزارش گالیندوپل همچنین متذکر می شود که بر طبق اخبار روزنامه های رسمی کشور، در فاصله ۱۱ ماه اول سال ۱۹۹۱ مسیحی، ۸۸۴ نفر اعدام شده اند. در همین زمینه سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای در دی ماه ۱۳۷۰ خطاب به اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد خاطر نشان کرد که ۵۰ نفر از این قربانیان، زندانیان سیاسی بوده اند. موافقت رژیم با بازدیدهای سالهای اخیر نمایندگان و بازرسان ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل که بازتاب فعالیت های افشاگرانه گسترده نیروهای مترقی مخالف رژیم و بدلیل عقب نشینی رهبران رژیم اسلامی در مقابل فشارهای بین المللی بوده است.

جناح رفسنجانی با این تصور که قادر خواهد بود با اعلام ظاهری برخی اقدامات محدود و اصلاحات نمایشی موافقت کشورهای غربی را به ایجاد روابط دیپلماتیک و تجاری پر دامنه جلب نماید. این سیاست "پراگماتیستی" را بر گزیدند. سیاستمداران برجسته جمهوری اسلامی بدنبال قوت خمینی و رویرو شدن با وضعیت اسفناک اقتصادی کشور و فاجعه خرابیهای جنگ هشت ساله با عراق، به این نتیجه رسیدند که تنها از طریق بهبود روابط با کشورهای غربی و وارد کردن کالاهای مصرفی مورد نیاز عامه به بازارهای داخلی و به حراج گذاردن منابع اولیه کشور، میتوانند جلوی روند رشد یابنده ناراضیاتی همگانی را بگیرند. اعتقاد رژیم بر این بود که برای عادی کردن روابط با غرب، روند فاصله گیری از تصویری که در ۱۰ ساله اولیه حیاتش مشخصه اصلی آن بوده است، ضمن خودداری از هرگونه تغییر بنیادی، از طریق برخی اقدامات تبلیغاتی در رابطه با حقوق

سپید و سیاه

هزار عمر دگر باید انتظار کشید
سیاه کرد مرا آسمان بی خورشید
ببین کزین شب ظلمت جهان چه خواهد دید
که رفت در سر سودای صید مروارید
صفای اشک تو باد ای خراب گنج امید
بهای آن چه گرفت و بجای آن چه خرید
که زهر ریخت به جام کسان بجای نید
که برق دشنه دشمن ندید و دست پلید
که این سپید سیه گشت و آن سیاه سپید
که جان ماست گروگان آن نوا و نوید
به جادویی نتوان کشت آتش جاوید
ببین که از شب عمرش سپیده ای ندید

شبی رسید که در آرزوی صبح امید
در آستان سحر ایستاده بود گمان
هزار سال زمن دور شد ستاره صبح
دریغ جان فرورفتگان این دریا
نبود در صدفی آن گهر که می جستیم
ندانم آنکه دل و دین ما به سودا داد
سیاه دستی آن ساقی منافع بین
سزاست گر برود رود خون زسینه دوست
چه نقش باختی ای روزگار رنگ آمیز
کجاست آنکه دگر ره صلاهی عشق زند
بیا که طبع جهان ناگزیر این عشق است
روان سایه که آینه دار خورشید است

حقوق بشر در ایران از بسیاری از کشورهای دیگر جهان بهتر است.

رهبران رژیم بر این باور بودند که با جلوگیری از ملاقات و مصاحبه گالیندوپل با حدود ۸۰ درصد زندانیان مورد تقاضای او در زندان اوین و برخی دیگر اقدامات در کنترل برنامه بازدید او از ایران، گزارش او موارد چندین لطمه زننده ای نخواهد داشت و از این رو بود که قبل از انتشار گزارش رسمی نمایندگان سازمان ملل، شروع به تأیید ضمنی مفاد آن کردند.

ولی گزارش گالیندوپل با چنین نتیجه گیری که "در سال ۱۹۹۱ موارد نقض خشن حقوق بشر، شامل اعدامهای جمعی، دستگیری های سیاسی خودسرانه، محاکمات غیر عادلانه و شکنجه بدون وقفه بوده ... و مردود شمردن ادعای رژیم مبنی بر اینکه وضعیت رعایت حقوق بشر در ایران "روندی مثبت" داشته است و "انجام درخواست های کمیسیون حقوق بشر نیاز به فراهم شدن شرایط قانونی دارد و این امر در یک نظام پارلمانی امکان پذیر است". منجر به صدور و قبول قطعنامه ویژه ای در کمیسیون حقوق بشر پیرامون نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران گردید. اجلاس با تأیید گزارش گالیندوپل، ماموریت او را بررسی وضع حقوق بشر و تهیه یک گزارش دیگر از وضع رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی تمدید نمود و با تصویب قطعنامه شدیدالحنی در محکومیت رژیم ضمن ارجاع موضوع نقض حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ایران را بار دیگر در صدر موضوعات دستور کار ۴۹ - امین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در سال آینده قرار داد. این نتیجه ای بود که جمهوری اسلامی و بالاخص شخص رفسنجانی تمام نیروی خود را مصروف جلوگیری از آن نموده بودند.

بشر، ضروری میباشد. بر این پایه رهبران جناح حاکم با امید به اینکه می توانند از طریق اقدامات کنترل شده، ضمن جلب نظر مساعد سازمان های بین المللی نظیر کمیسیون حقوق بشر و سازمان صلیب سرخ جهانی، از فشار تبلیغاتی نیروهای اپوزیسیون در افشا جنایات رژیم بکاهند، سه سال پیش قبول کردند که با بازرسان ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل همکاری نمایند. گزارش های قبلی گالیندوپل که ضمن برشماری گوشه های گوناگون سیاست ضد بشری رژیم، برخی از نقطه نظرات و توجیهات ارگان های رسمی جمهوری اسلامی را مطرح نموده بود، این امید را در رهبران رژیم بوجود آورده بود که سیاست مکارانه شان شانس پیروزی دارد.

در واقع حدود یکسال پیش اقدامات رژیم برای اعمال نظر در کار کمیسیون حقوق بشر به موقیت های محدودی رسید، نماینده جمهوری اسلامی به عضویت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل دعوت شد و متعاقباً در آبناماه گذشته با همکاری برخی کشورهای اسلامی و حامیان جمهوری اسلامی نماینده رژیم به سمت معاونت آسیائی کمیسیون انتخاب گردید. هر دوی این اقدامات مورد اعتراض وسیع نیروهای مخالف رژیم قرار گرفت که معتقد بودند چنین امری می تواند به خنثی کردن اقدامات کمیسیون حقوق بشر در جهت بهبود وضع حقوق بشر در ایران منجر گردد. در چنین جوی مطبوعات تحت کنترل رژیم بلافاصله پس از مراجعت گالیندوپل از ایران، "حمایت" نماینده سازمان ملل از اصلاحات رژیم در مورد رعایت حقوق بشر آغاز کردند. سخنگویان رژیم مدعی شدند که ایران بطور دائمی از دستور کار کمیسیون حقوق بشر خارج خواهد شد، و مدعی شدند که گالیندوپل اعلام کرده است وضع

پایان نمایش ...

چگونگی تدارک و برگزاری انتخابات

بر اساس گزارشات مندرج در نشریات مجاز جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس چهارم، پرماجرترین و شاید پرتقلب ترین انتخابات دوران حکومت جمهوری اسلامی بوده است.

گروه حاکم رفسنجانی - خامنه ای با استفاده از اهرم شورای نگهبان و شورای نظارت گروه بزرگی از کاندیداهای شرکت در انتخابات را بدون اینکه کوچکترین دلیلی ارائه شود، فاقد صلاحیت اعلام کرد و بدین ترتیب تعداد زیادی از چهره های سرشناس جناح مقابل که به قول خودشان همگی "از یاران نزدیک امام" بودند در همان مرحله اول حذف گردیدند. حذف گروه زیادی از چهره های جناح مقابل مانند نبوی، خلخالی، خانم رجایی، اصفرزاده و... برای کسی تردیدی پیرامون حدود و ثغور "دمکراسی" در این انتخابات باقی نگذاشت و از این رو همگی نیروهای اپوزیسیون از همان ابتدا حقانیت و مشروعیت چنین انتخاباتی را زیر علامت سؤال برده و از شرکت در آن خودداری کردند.

اکثر نمایندگان حذف شده در سخنرانی ها و مطالبی که در روزنامه های کشور انتشار دادند، اعمال غیر قانونی شورای نگهبان و شورای نظارت را مورد حمله قرار داده و خواهان رسیدگی به این خلاف کاری ها شدند.

به عنوان نمونه کیهان هوایی ۲۶ فروردین ماه گزارش داد که:

"بهباد نبوی با ارسال نامه سرگشاده ای به شورای نگهبان خواست که ادله رد صلاحیت وی را از طریق مطبوعات اعلام کنند..." بر اساس همین گزارش، "تعداد دیگری از داوطلبان نیز از جمله خانم رجایی از شورای نگهبان خواستند تا ملاحظه آبروی آنان را نکنند و دلایل رد صلاحیت آنان را علنا اعلام کنند..."

اصفر زاده و صادق خلخالی نیز طی سخنرانی ها و مصاحبه های طولانی با حمله شدید به شورای نگهبان، این اقدامات را زیر علامت سؤال بردند. خلخالی در مصاحبه ای که با روزنامه سلام انجام داد از جمله اعلام کرد: "ما یخاطر حرف های حساسی مورد غضب واقع شده ایم با بیرون کردن ما از مجلس اوضاع باز بر وفق مراد نخواهد بود و کارشکنی ها باز ادامه خواهد داشت..."

از همان نخستین روزهای اعلام برگزاری انتخابات مشخص گردید که جناح حاکم از کلیه امکانات دولتی و اهرم های مختلف برای ارباب، سرکوب و حذف جناح مقابل استفاده خواهد کرد. به اعتراف آقای نوری وزیر کشور، "تعداد شکایات رسیده به وزارت کشور بسیار زیاد است که باید به همگی آنها رسیدگی شود..." ("کیهان" - ۲۶ فروردین ۷۱)

از اخبار مندرج در روزنامه و خصوصا سخنرانی هایی که در روزهای اخیر در مجلس ایراد گردیده است روشن می گردد که جناح حاکم به شکل وسیع و سازمان یافته در همه حوزه های انتخاباتی تدارک حذف کاندیداهای مقابل را از مدتها قبل سازمان داده بود. بعنوان نمونه توجه خوانندگان را به افشاگری های زیر

جلب می کنیم.

"قانون شکنی های روز انتخابات، یک طرفه بودن اعضای صندوق ها و تبلیغات در محل رای گیری و تقلبات و تخلفات فراوان هنگام اخذ رای خود داستان دیگری است..." ("نماینده" مرودشت)

"مردم در بعضی از حوزه ها خواهان شمارش مجدد آرا شدند. اما متأسفانه با آنها رفتار غیر اصولی شد و برخی از آنان بازداشت شدند. در نقطه ای سه هزار رای داشتیم اما هزار رای قرائت شد..."

("نماینده" بروجن)

"برخی از کاندیدها، با خرج پول های بسیار با توزیع کالا در بین مردم و وعده و وعیدها در حقیقت بطور غیر مستقیم مشغول خرید آرا بودند و برخوردی هم از طرف مراجع قضایی صورت نگرفت..."

("نماینده" اردبیل)

افشاگری های بالا بصورت روشن ماهیت غیر قانونی و تقلبی انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی که انتخابات "سرنوشت ساز" نامیده شده بود را در معرض قضاوت مردم کشور ما قرار می دهد. حزب ما بر اساس چنین درکی بود که در اعلامیه کمیته مرکزی به صراحت اعلام کرد که چنین انتخاباتی هیچگونه همخوانی با خواست ها و آرمان های مردم کشور ما ندارد و از اینرو نمی توان شرکت در آن را به کسی توصیه کرد.

حوزه انتخاباتی	آراء کسب شده نماینده اول	درصد آراء نماینده اول	کل آراء حوزه انتخاباتی	آراء کسب شده نماینده اول	درصد کاهش آراء نسبت به دوره دوم
تهران	۷۹۰/۷۰۹	۴۶٪	۱/۷۰۱/۲۹۹	۷۹۰/۷۰۹	۴۰٪ -
مشهد	۸۱/۸۵۱	۱۵٪	۵۱۶/۹۷۴	۸۱/۸۵۱	۶۲٪ -
تبریز	۱۰۷/۴۹۰	۳۰٪	۳۴۷/۴۴۴	۱۰۷/۴۹۰	۱۳٪ -
اصفهان	۱۲۰/۹۴۳	۳۸٪	۳۱۶/۹۸۳	۱۲۰/۹۴۳	۲۷٪ -
اهواز	۴۰/۱۶۵	۱۸٪	۲۱۵/۹۴۵	۴۰/۱۶۵	۴۵٪ -
باختران	۳۶/۹۵۵	۱۷٪	۲۰۸/۳۲۱	۳۶/۹۵۵	۲٪ -
قزوین	۶۶/۹۰۲	۳۴٪	۱۹۴/۸۳۰	۶۶/۹۰۲	۲۸٪ -
سنندج	۳۶/۵۱۸	۲۱٪	۱۶۲/۴۵۵	۳۶/۵۱۸	۳۰٪ -
اراک	۲۸/۸۲۸	۱۷٪	۱۶۶/۹۲۴	۲۸/۸۲۸	۶۶٪ -
اورومیه	۲۴/۶۴۲	۱۵٪	۱۶۳/۸۹۶	۲۴/۶۴۲	۵۵٪ -
سبزوار	۴۱/۱۸۲	۲۶٪	۱۵۴/۱۴۴	۴۱/۱۸۲	۱۲٪ -
زنجان	۳۳/۱۱۷	۲۳٪	۱۴۳/۴۲۱	۳۳/۱۱۷	۴۶٪ -

* معدل درصد آراء کسب شده توسط نماینده اول ۲۵٪
* معدل کاهش آراء نماینده اول در مقایسه با دوره سوم ۳۵٪

* آمار دوره چهارم - "کیهان" - ۷۱/۱/۲۵
* آمار دوره سوم - "کیهان هوایی" - ۶۲/۱/۳۱

در جناح چپ چه ...

خاطر نشان کرد که عده ای جوانان فعال سیاسی و با سواد که رابطه وسیعی با احزاب چپ و اتحادیه های کارگری غرب دارند، رهبری این حزب را بدوش می کشند.

آنها قبل از دیگران خطر استبداد و فاشیسم را در جامعه ما شناختند و فعالانه علیه آن به مبارزه برخاستند، حزب نامبرده نسبت به "حزب سوسیالیست زحمتکشان" نه به لحاظ شکل، بلکه به لحاظ مفهوم برای وحدت با بسیاری از نهضت ها و احزاب آمادگی دارد.

"حزب کمونیستهای روسیه" که چندی پیش تشکیل شده است به لحاظ مواضع نظری و سیاسی خود به "حزب کار" نزدیک است، هسته مرکزی این حزب را طرفداران جریان مرکزی پلاتفرم مارکسیستی سابق در حزب کمونیست اتحاد شوروی که "آ. کروچکوف" رهبری می کرد تشکیل میدهد.

مضمون سخنرانیهای ایراد شده در کنفرانس موسسان این حزب نشان میدهد که نیروی بالقوه خلافته قبایل توجهی که قادر است ارزیابی همه جانبه ای از وضع موجود بدهد و سمت گیری استراتژیک را بطور روشن نشان دهد در این حزب موجود است.

"حزب کمونیستهای روسیه" وضع جاری را مورد مذاقه قرار داده معتقد است که حوادث ماه اوت به کودتای ضد سوسیالیستی منجر شد و همراه آن روند برقراری سریع سرمایه داری در جامعه آغاز شد و کشور را در بحران باز هم سنگین تری فرو برد. این حزب خروج از بحران را در تغییر سمت گیری جامعه به سوی راه رشد سوسیالیستی و در تامین حاکمیت انسان زحمتکش می بیند. در عین حال حزب مزبور بازار و امکان وجود مالکیت شخصی را منتفی نمی داند که بتواند به افزایش کار آتی تولید، گردش کالا، تامین مصرف زحمتکشان منجر گردد. رشد آتی جامعه را در تناسب با اولویت مالکیت اجتماعی که به نظر حزب با مالکیت دولتی یعنی بوروکراتیک در تقابل است می بیند.

این حزب هوادار آرمانهای دموکراسی واقعی، عدالت اجتماعی و آزادی است، حزب همزیستی پلاتفرم های گوناگون، آزادی عقیده و انتقاد را در صفوف خود قابل قبول میداند و هیچ گونه امتیازی برای اعضای خود نمی شناسد. حزب مزبور گذشتهای حزب کمونیست اتحاد شوروی در قبال استالیانیسم نو و رواج بوروکراتیسم در سالهای رکود را مورد انتقاد قرار داده، در عین حال برای سن دمکراتیک و سوسیالیستی آن جای شایسته قائل است. این حزب نخستین حزبی است که خواستار تشکیل نیروهای چپ شد. زحمتکشانی که با دستمزد خود زندگی می کنند، دانشجویان، کسانی که با دریافت کمک معاش بسر می برند، پایگاه اجتماعی حزب مزبور را تشکیل می دهند.

کمونیستهای رادیکال

جریان دیگر پلاتفرم مارکسیستی به رهبری "آ. پریکارین" حزب کمونیست "اتحاد کمونیستها" را بوجود آورده است، این یکی از کم تعداد ترین احزاب کمونیستی است که اخیرا تشکیل شده است، سازمان مزبور به لحاظ آرمانی به کمونیستهای "ارتدوکس" دوران اخیر بسیار نزدیک است. تلاش این سازمان که می خواست بعنوان فراکسیونی در حزب کمونیست کارگری روسیه که

در ماه نوامبر گذشته در شهر (یکتاترین بزرگ) تاسیس شد، وارد شود بی نتیجه ماند.

انتخاب این شهر برای محل تاسیس کنگره حزب کمونیست روسیه، ظاهرا تصادفی نبوده است. این شهر محل تولد بوریس یلتسین است، حزب فوق سیاست او را نسبت به طبقه کارگر و نمایندگان کارهای فکری و جسمی، خصمانه می داند. حزب فوق خود را وارث سن انقلابی لنینی در جنبش کمونیستی می شمارد. این حزب همانند بلشویکها در زمان لنین وجود فراکسیون را نمی پذیرد و نسبت به ایدئولوژی سوسیال دمکراسی منفی برخورد می کند.

"حزب کمونیست کارگری روسیه" بوجهب بیابنه ماه اکتبر خود مخالف مالکیت خصوصی و مطلق کردن مناسبات بازار است، حزب معتقد است که راه خروج از بحران تنها از طریق بازگشت به اقتصاد متمرکز طبق نقشه است. وضع موجود را نتیجه کودتای ضد انقلابی می شمارد که کشور ما را به وابستگی مطلق از سرمایه وطنی و خارجی دچار ساخته است و کشور را بزائده تامین کننده مواد خام کشورهای سرمایه داری پیشرفته تبدیل کرده است. در این مورد "حزب کمونیست کارگری روسیه" مواضعش با مواضع نهضت های میهن دوست کشور نزدیک میشود.

"حزب کمونیست کارگری روسیه" همانطوری که در انتخاب نام حزبی دیده می شود طبقه کارگر را پایگاه اصلی اجتماعی خود می شمارد. این حزب سیاست احیاء شوراها را پشابه ارگانهای نمایندگی زحمتکشان دنبال می کند... هم اکنون در حزب جریانهای کم و بیش رادیکال به چشم می خورد. جریانهای مزبور ایده ایجاد فدراسیون احزاب کمونیست را دنبال می کنند... "حزب کمونیست کارگری روسیه" عمده ترین حزب کمونیست کشور است.

کاملا محتمل است که مورد پشتیبانی روز افزون کارگران قرار گیرد، بویژه اگر بحران در کشور ژرف تر شود و کارخانه ها متوقف گردند. این حزب با وجود بنیادگرایی کمونیستی خود شکل کنونی مبارزه را سرپا فرما می گیرد. پیروان آن را در بین مدافعان مرزه و آرامگاه ولادیمیرلنین، شرکت کنندگان تظاهرات نوامبر، راهپیمایی گرسنگان در ماه دسامبر، در شوراهای جدیدالتاسیس مسکو و دیگر شهرها می توان دید. ما ارزیابی مختصری از عمده ترین احزاب سیاسی چپ ارائه کردیم. علاوه بر آن احزابی با پیروان معدود مانند حزب کمونیست بلشویکهای شوروی تحت رهبری نینا آندریوا وجود دارند. تبلیغات رسمی تلاش دارد بین نئو استالیانیستهای دیروز و تمام جنبش چپ علامت مساوی بگذارد، ولی این از واقعیت بدور است. نهضت نوین چپ مخالف استالیانیسم است، زیرا آن را تحریف کننده ایدئولوژی کمونیستی و عمل سوسیالیسم می داند.

آیا احزاب چپ توانائی آنها دارند که اعتراضات رو به افزایش زحمتکشان را با خصلت آگاهانه همراه سازند؟ آینده به این پرسش پاسخ خواهد داد. فعلا فقط می توان گفت که در توازن قوای اجتماعی- سیاسی جامعه موازنه معینی برقرار شده است. احزاب حاکم ناتوانی خود را نشان دادند زیرا قوانین و برنامه های آنها اجرا نمی شود، بازی بی انتهای سازمان دهی و تجدید سازماندهی ارگان های مختلف ادامه دارد... از طرف دیگر اپوزیسیون سیاسی نمی تواند قدرت را بدست

گیرد... اکنون در کشور نمایندگی وسیع سیاسی طبقه حاکمه صاحب کاران، طبقه ای که هنوز شکل نکرده است به چشم می خورد و از طرفی دیگر تشکل افشار گوناگون زحمتکشان یعنی اکثریت مطلق جامعه در حال بوجود آمدن است.

این چنین وضعی برای مدتی طولانی نمی تواند ادامه یابد. مساله عمده اینست که آیا احزاب چپ (فعلا کوچک) می توانند و موفق خواهند شد، اعتراض خود بخودی رو به افزایش مردم را در کنترل خود قرار داده و به بستر مبارزات سیاسی متمدن هدایت کنند؟ در غیر این صورت ما دو سناریوی تکامل اجتماعی در پیش رو خواهیم داشت، یکی از این دو شورش خود بخودی ویرانگر پائینی ها و دیگری در پیش گرفتن شیوه های فاشیستی اداره کشور توسط بالائی هاست. عناصر هر دو سناریو هم اکنون موجود اند. زندگی اکثریت مردم بشدت رو به وخامت می رود. حکام کشور ایجاد گروه بندی های نظامی گوناگون را تشویق می کنند و حتی دامن می زنند. نفرت و کینه نسبت به کارگران و کمونیستها را به کمک تبلیغات شعله ور می سازند و آنها را بطور ساده لپن می نامند. بجای تبلیغ اترانسونیالیسم، نفرت در مناسبات بین ملتها دامن زده می شود، و آن را ریاکارانه به حساب رشد آگاهی ملی می گذارند.

در زمینه از هم پاشی اتحاد شوروی بسیاری از سیاست شناسان پیدائی نوع حوادث یوگوسلاوی را در چنین شرایطی غیر محتمل نمی بینند.

بنظر من برای اینکه بتوان کشور را از بحران بیرون آورد لازم است نه تنها به حکومت، بلکه به اپوزیسیون هم در تمام اشکال آن امکان فعالیت آزاد داده شود. بهر حال بایست به هیستری ضد کمونیستی که جمع میلیونها کمونیست و پیروان آنها را می خواهد به انسانهای کم عیار تبدیل کند پایان داده شود. در جامعه ای که آماده ترین و پیشروترین عناصر آن کنار زده شوند، نمی توان از ثبات سخن بیان آورد... هنگام آن رسیده است که جلو تحمیل اجباری افکار موهوم و مدهای لیبرالی بر جامعه گرفته شود، در این روزهای سخت باید به تجربه هزاران ساله توده ها و کسانی که متکی بر دانش حرفه ای کمتر از همه به جاه طلبی های خود می اندیشند گوش فرا داده شود.

سیاست واقعی آن جاست که مصالح میلیونها نفر بهم نزدیک می شود، نه مدعیات شخصی و پوپولیسم رهبران سیاسی گوناگون. بی اعتنائی به منافع توده ها سیاستمدار را به سیاست بازی و ماجراجویی می کشاند. سیاست واقعی همواره آشکار و شجاعانه است در حالی که سیاست بازی پنهان با ترس عمل می کند، ورشکستگی چنین سیاستی قطعی است.

نمونه های آن در دسترس همگان است، کافی است از جمله بازیهای سیاسی پیرامون برنامه ناصد روزه، فضای واحد اقتصادی، مصادره غیر قانونی اموال حزب کمونیست اتحاد شوروی، قرارداد نوع اتحاد شوروی... را ذکر کنیم.

رشد جامعه بدون آلترناتیو نیست، وقت آن رسیده است که به آلترناتیو نوئی برای برون رفت کشور از بحران بیاندیشیم، جنبش چپی که در کشور ما بوجود آمده است چنانچه کوشش خود را بسوی بستر واحدی هدایت کند و بلوک واحد احزاب چپ را بوجود آورد، می تواند نقش این آلترناتیو را ایفا نماید.

ترجمه کوتاه شده ای از مقاله "پراودا" - شماره ژانویه ۹۲ به قلم بوریس اسلاوین

در جناح چپ چه خبر؟

می شوند.

ولی این تقسیم بندی نسبت به جامعه ما همیشه درست از آب در نمی آید آنهم نه بدین علت که در گذشته نه چندان دوری مفهوم "چپ" و "راست" را مفشوش کردیم، بلکه به موجب اظهارات برنامه ای و اقدامات عملی احزاب گوناگون چنین وضعی پیش آمده است. مثلاً سوسیال دمکراسی معاصر وطنی، ما (به رهبری "ا. رومیانتسو") را نه تنها به این علت که سازمان مزبور برای تحلیل واقعیت و کاربرد مقولات "سوسیالیسم" و "سرمایه داری" می ترسد، بلکه بدان جهت که آشکار و پیکیر رفرم های لیبرالی و درست تر گفته باشیم محافظه کارانه مطروحه از طرف دولت "حرفه ای و با صلاحیت" یلتسین را که به نوبه خود بار سنگینی بر دوش زحمتکشان تحمیل کرده و با سرعت غیر قابل تصویری انباشت اولیه سرمایه و ثروتمند شدن افسانه ای صد هزار نفره را تامین می کند، مورد پشتیبانی قرار داده است.

سوسیال دمکراتهای ما

بنظر من دو حزب موجود در کشور ما می توانند مدعی ایفای نقش سوسیال دمکراسی وطنی باشند، "حزب مردم روسیه آزاد" به رهبری معاون رئیس جمهور و دیگری "حزب سوسیالیستی زحمتکشان" می باشد.

امروز این احزاب جناح راست، طیف سیاسی نیروهای چپ را تشکیل می دهند. "حزب روسیه آزاد" بنابر اظهارات رهبران آن "آ. روتسکوی" و "گ. ودلازوف" دائماً بین همکاری با دولت بوریس یلتسین و اپوزیسیون آن نوسان خواهد داشت. این حزب کلاسیک بوروکراسی وطنی، بخش تجاری کوچک و صاحب امتیاز طبقه کارگر است. از آنجا که این اقشار اجتماعی می توانند از رفرمهای آینده ضرر ببینند امکان چپ شدن این حزب موجود است و بر عکس چنانچه رفرم خصلت نسبتاً آرامی بخود بکیرد، حزب مزبور راست خواهد شد و به تائید کلاسیک مبارزه تدریجی دست خواهد زد.

این حزب نوسان و سازش خواهد بود، تصادفی نیست که نظریه پردازان یعنی "و. لپیتسکی" با حدت ایده پل و یا بهتر بگوئیم نشستن روی دو صندلی را به مثابه مانور اصلی بین راست و چپ تبلیغ می کند. چنین تاکتیکی کار را به همانجا میرساند که رئیس جمهور سابق شوروی رسانید. اما آنچه مربوط به "حزب سوسیالیست زحمتکشان" است، این حزب هنوز در عمل خود را پهنای نیروی سیاسی نشان نداده است، ولی این حزب نه تنها دفاع از زحمتکشان (تولید کنندگان جمعی و فردی)، بلکه دفاع از منافع حزب مداران سابق که

پس از ایراد موضمگیری های معین "آ. روتسکوی"، بیرون رفتن "ن. تراوکنین" از کنگره "دمکراتهای روسیه" و بیانات هیجان برانگیز "ک. پاپو" در کنگره "جنبش رفرمهای دمکراتیک" می توان از تجربه ائتلاف حاکم از نیروهای راست سیاسی و از ایجاد نیروهای مخالفی در درون طبقه حاکمه سخن گفت، این نه اپوزیسیونی است که به لحاظ مخالفت با محتوای انجام رفرمهای یلتسین عمل می کند، بلکه به لحاظ شکل و شیوه اجرای این رفرمها با آنها مخالف است.

اپوزیسیون مزبور اصولاً مشروط به ترس از مردم است. مردمی که بطور غریزی خصوصی کردن وحشیانه را قبول ندارند و آنرا به "جیب زدن می نامند" و آزاد سازی قیمتها را که به فقر مطلق آنها منجر میشود نمی پذیرند.

اپوزیسیون این را می داند و از انفجار اجتماعی وحشت دارد، سعی خواهد کرد حکومت طبقه خود را حتی اگر لازم باشد، بقیمت سقوط بوریس یلتسین و تیم او حفظ کند. احتمال اینکه اپوزیسیون مزبور را میخائیل گارباچف رهبری کند منتفی نیست.

اپوزیسیون دیگری که در مقابل حاکمیت موجود قرار گرفته است، اپوزیسیون نیروهای چپ است که تشکیل آن با به وجود آمدن حزب کمونیستهای روسیه طیف احزاب نو را کامل کرده است. تفاوت این اپوزیسیون نسبت به اپوزیسیونی که قبلاً ذکر شد آنست که بر مبنای تجارت و سرمایه وطنی و غربی سمت گیری خود را تعیین نکرده است، بلکه در رابطه با توده ای ترین و ستمدیده ترین بخشی از جامعه که از سیاست "معالجه از طریق شوک" حداکثر صدمه را می بینند، سمت گیری دارد.

این احزاب نو جای خالی جناح چپ در زندگی سیاسی جامعه ما را پس از ممنوعیت و خروج حزب کمونیست اتحاد شوروی پر می کنند، کدامینند؟

هنگام پاسخ به این سوال با این دشواری مواجه می شویم که چه احزابی چپ هستند و مرزی که چپها را از راستها جدا می کند در کجاست؟ چنانچه مبنا را سنتهای کلاسیک اروپائی قرار بدهیم احزابی با نظریات بورژوازی و ما قبل آن احزاب راست خوانده می شوند و سازمانهایی که به درجات مختلف ایده آلهای سوسیالیستی و آرمانها و مصالح مردم زحمتکش را نمایندگی میکنند. یعنی کسانی که در درجه اول بار تغییرات رادیکالی اقتصادی را بدوش می کشند، احزاب چپ نامیده می شوند.

بدین ترتیب سوسیال دمکراتهای خارجی، سوسیالیستها و کمونیستها جزء احزاب چپ و طیف وسیع احزاب دمکراتیک، جمهوری خواه، سلطنت طلب، و دیگر احزاب از جمله احزاب راست محسوب

مایلند احیا شوند و قانوناً نظرات خود را بیان کنند در برنامه کار خود آورده است. احتمالاً بخشی از پیش کسوتان دوران جنگ و عرصه کار، روشنفکران فنی و علوم انسانی، بخشی از اقشار طبقه کارگر بدان خواهند پیوست. آرمانهای اساسی این حزب با نوع آرمانهای سوسیال دمکراسی غرب انطباق دارد. یکی از رهبران این حزب نماینده مردم آناتولی دنی سوف میگوید، "استثمار و مالکیت خصوصی را بطور کلی نمی توان از بین برد و فقط می توان شکل وحشیانه آن را ملاحظه تر کرد"، بعقیده او در این مورد سوسیال دمکراسی غرب قدمهای بسیاری برداشته است.

اگر بر مبنای مصاحبه "دنیسوف" در روزنامه "پراودا" قضاوت کنیم او نسبت به گارباچف همفکری بسیار نزدیکی دارد و می گویند که شاید حزب مزبور بر پایه نظرات رئیس جمهور سابق بی ریزی شده باشد. ولی بعید است که این گفته ها پایه جدی داشته باشند. یکی از رهبران حزب نامبرده فضانورد "ب. سباستیانوف" به نویسنده این مقاله گفته است، "گارباچف نخستین رئیس جمهوری است در جهان که حزبی که او را به حکومت رسانید نابود کرد".

در صورت شدت یافتن وخامت وضع عمومی زحمتکشان احتمال آن می رود که جریانات چپ تری نزدیک به نظرات رفرمیستی ر. مدودف سوسیالیست بی گیر و معتقد در این حزب برتری پیدا کنند، در آن صورت این حزب حقیقتاً ارزش نام خود را خواهد یافت، ولی فعلاً بنظر می رسد همانطور که کنگره اول حزب مزبور نشان داد بسیاری از رهبران آن وحشت زده از کودتا از چپها بیشتر از راستها و از کمونیستها بیشتر از لیبرالها می ترسند. بنظر نمی رسد این حزب بزودی بیک حزب توده ای تبدیل شود.

مرکز چپ

کاملاً محتمل است که "حزب کار" که از ائتلاف "حزب سوسیالیست" ب. گاکارلیتسکی، نمایندگان جداگانه پلاتنوم سابق مارکسیستی در حزب کمونیست اتحاد شوروی و اتحادیه های توده ای کارگری بوجود آمده است، به مرکز چپ تبدیل شود. این حزب نه تنها با اعلامیه های خود که از ایده آلهای سوسیالیسم پشتیبانی می کند و رژیم حاکم را مورد انتقاد قرار می دهد، بلکه با اقدامات عملی خود موجودیتش را مطرح کرده است.

میتینگ کارگران اتحادیه های کارگری در میدان مانو که پایان دادن به سیاست خصوصی کردن و سیاست آزاد سازی قیمتها را طلب کرده بود تحت رهبری این حزب بر گزار گردید. "حزب کار" مطالبات مشخصی در مورد بالا بردن سطح زندگی کارگران، بهبود وضع اجتماعی زنان، جوانان و بازنشستگان را مطرح کرده است. یکی از شعارهای عمده زحمتکشان این حزب چنین است، "در قبال قیمتهای بازار باید دستمزد بازار تامین شود"، هر چند این شعار دقیقاً علمی نیست ولی جهت اجتماعی آن در شرایط عقب ماندگی شدید دستمزد بسیاری از اقشار نسبت به رشد غیر قابل کنترل قیمتها کاملاً مفهوم است. باید

باقی در صفحه ماقبل

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 374
April 28 , 1992

ADDRESSE: 1- Postfach 100644 1000 Berlin 10

نامه مردم

بها: ۲۰ ریال